کشیش تـَت استیوآرت

تجهیز مقدسان

بررسی عطاهای انـگیزش‌دهنده روح‌القدس

مؤسسه "تعلیم"

TALIM Ministries

فهرست مطالب

مترجم: آرمان رُشدی

TALIM Ministries, Inc.

P.O. Box 47 17 36
Aurora, Colorado 80047-1736
U.S.A.

Fax: +1-303-873 62 16
E-mail: tatstewart@compuserve.com

(Anno Domini 2007)

هر ایماندار عطای خاصی دارد

”و اوست که بخشید برخی را به‌عنوان رسول، برخی را به‌عنوان نبی، برخی را به‌عنوان مبشر، و برخی را به‌عنوان شبان و معلم، تا مقدسان را برای کار خدمت آماده سازند“ (افسسیان ۴:۱۱-۱۲، هزاره نو).

در طول سالهای متمادی که به کلیساها سرکشی می‌کنم، مشاهده کرده‌ام که بسیاری از رهبران دعوت کتاب‌مقدس را در خصوص تجهیز مقدسان برای کار خدمت، به‌کلی اشتباه درک کرده‌اند. بارها شده که به شبانانی بر خورده‌ام که خسته‌اند و بیش از حد توان خود کار می‌کنند و حتی از باری که برای کلیسایشان حمل می‌کنند دلزده‌اند. با شبانانی روبرو شده‌ام که به من گفته‌اند حتی برای تعطیلاتی کوتاه نیز نمی‌توانند کلیسا را ترک کنند، زیرا کسی نیست که کلیسا را رهبری کند. در همین حال، ساعت‌ها پای درد دل اعضای عادی کلیساها نیز نشسته‌ام که شکایت می‌کرده‌اند که شبانشان سهمی در خدمت به ایشان نمی‌دهد. نتیجه روشن چنین روشی در رهبری، شبانانی خسته و اعضایی سردرگم می‌باشد. با مشاهده رشد

کلیساهایمان، این بار را در دل خود احساس می‌کنم تا قلم به‌دست بگیرم و در باره مجهز ساختن مقدسان مطالبی بنویسم.

در آیه‌ای که ذکر کردیم، مشاهده می‌کنیم که خودِ عیسی خدمت‌های مختلفی به کلیسا عطا فرموده تا وظایف گوناگونی تحقق یابد. اما خواه شخص خوانده شده باشد تا مبشر باشد یا شبان، به‌نظر می‌رسد که رسالت هر دو یکی باشد که آن همانا تربیت دیگران برای خدمت به مسیح همراه ما می‌باشد. پولس رسول تعلیم می‌دهد که چنانچه دیگران را مجهز سازیم تا در کنار ما خدمت کنند، بدن مسیح را بنا کرده‌ایم؛ بنا شدن بدن منجر می‌شود به اتحاد در ایمان؛ و اتحاد در ایمان نیز منجر می‌شود به تربیت تعداد بیشتری از ایمانداران بالغ. کار خدمت هرگز نباید توسط شخصی واحد صورت پذیرد، چرا که در اینصورت، سایرین از شادی کشف عطاها و خدمات روحانی خود محروم می‌مانند. وقتی ایمانداران خدمت خود را کشف کنند، خواهند توانست با دیگران همکاری کنند و در مسیح رشد نمایند. شبانی که خود را خادمی تک و تنها می‌پندارد، سایرین را برای انجام خدمت تربیت نمی‌کند و مانع رشد کلیسایش می‌شود، هم به‌لحاظ روحانی و هم به‌لحاظ تعداد اعضا. اما شبانی که تفکری کتاب‌مقدسی دارد، خواهد کوشید تا به جماعتش در باره عطاهای روحانی تعلیم دهد و فرصت‌هایی برای گله خود فراهم آورد تا عطاها و خدمات مناسب خود را کشف کند.

پولس رسول می‌نویسد: ”اما در باره عطایای روحانی، ای برادران نمی‌خواهم شما بی‌خبر باشید“ (اول قرنتیان ۱:۱۲، ترجمه

قدیمی). بسیار مهم است که کلیسا موضوع عطاهای روحانی را درک کند. روح‌القدس عطاهای روحانی را به ایمانداران عطا می‌فرماید تا برای نفع همگان در بدن مسیح به کار برده شود. ''ظهور روح به هر کس برای منفعت همگان داده می‌شود'' (اول قرنتیان ۱۲:۷). به هر ایمانداری میزان معینی از فیض مسیح عطا شده تا قدرت یابد که به میزان معینی در خدمت زمینی مسیح شریک شود. ''اما به هر یک از ما به فراخور اندازه بخشش مسیح، فیض بخشیده شده است'' (افسسیان ۴:۷، هزاره نو). هیچ فردی نمی‌تواند به‌تنهایی پری و کمال مسیح را بر زمین متجلی سازد؛ اما وقتی هر عضوی از بدن عطاهای خدمت را تحت حاکمیت و اقتدار مسیح به‌کار می‌برد، آنگاه کلیسا می‌تواند حضور مسیح را در این دنیا جلوه‌گر سازد. واقعیت غم‌انگیز این است که بسیاری از شبانان و ایمانداران در باره این حقیقت بسیار کم می‌دانند. عدم آگاهی از این حقیقت موجب نتایجی فلج‌کننده در بسیاری از جماعت‌ها شده است. ذیلاً به چند مورد آن اشاره می‌کنیم.

۱- عدم آگاهی از عطاهای روحانی موجب سرخوردگی اعضا می‌شود. سرخوردگی به چند صورت ظاهر می‌شود. بعضی‌ها هرگز به کشف این امر نائل نمی‌گردند که چه خدمت خاصی دارند، زیرا فکر می‌کنند که خدمت محدود می‌شود به خدماتی خاص و رسمی و نمی‌بینند که برای خدمت به مسیح، راهها و روشهای متفاوت و گوناگونی وجود دارد. فکر می‌کنند که خدمت یعنی موعظه و رهبری پرستش یا مقام

شیخی، و چون از ایشان خواسته نمی‌شود که این وظایف را انجام دهند، احساس طردشدگی می‌کنند. برخی دیگر بر اساس عطاهای خاصی که خدا به ایشان داده، بعضی از نیازها را در کلیسا می‌بینند اما نمی‌دانند چگونه آنها را برطرف سازند. به‌طور خلاصه، همه اینها باعث سرخوردگی ایمانداران می‌گردد.

۲- عدم آگاهی از عطاهای روحانی موجب می‌شود شخص به‌گونه‌ای غیرمنصفانه خود را با دیگران مقایسه کند. در اوائل زندگی روحانی‌ام، ایماندارانی را می‌دیدم که مبشرینی توانا بودند؛ و من احساس خطا می‌کردم که چرا مانند آنان نیستم. وقتی خود را با کسانی مقایسه می‌کنیم که از برخی عطاها برخوردارند، ممکن است یا احساس حسادت کنیم یا احساس دلسردی. وقتی کشف کردم که عطاهای روحانی من، تشویق و بنا و شبانی است، احساس کردم که آزاد شده‌ام تا خودم باشم. خادمانی که به گله‌شان در باره عطاهای روحانی تعلیم می‌دهند، خدمت بزرگی به آنان می‌کنند که سبب می‌شود احساس خطا برداشته شود و افراد با قدرت خدمت کنند.

۳- عدم آگاهی از عطاهای روحانی موجب بروز منازعه در بدن مسیح می‌گردد. هر فرد به امر خدمت از دریچه عطاهای روحانی خود می‌نگرد. منظورم این است که کسی که عطای بشارت دارد، اصالت ایمان سایرین را بر اساس میزان شهادت و بشارتشان می‌سنجد. آنانی که عطای سخاوت دارند، اصالت سرسپردگی دیگران را بر اساس پولی که به خداوند می‌دهند، می‌سنجند. چقدر احساس آزادی

کردم وقتی پی بردم که هر کس به بدن مسیح از چشم‌انداز عطای روحانی خود می‌نگرد؛ چقدر سالم‌تر است که تنوع دیدگاهها را در میان خود درک کنیم، زیرا در این تنوع است که درکی متعادل به‌دست می‌آوریم از انتظاری که مسیح از ما دارد.

امید من این است که توانسته باشم فکر شما را در زمینه عطاهای روحانی بر انگیزم و شما را تشویق کرده باشم تا اعضای کلیسایتان را در انجام خدمت مجهز سازید. پولس رسول ما را ترغیب کرده، می‌نویسد: ”بر حسب فیضی که به ما بخشیده شده است، دارای عطایای گوناگونیم“ (رومیان ۱۲:۶، هزاره نو). گام بعدی طرح این سؤال است که چگونه می‌توانیم کشف کنیم که عطاهای روحانی ما چیست. به این سؤال مهم در بخش بعدی خواهیم پرداخت.

کشف عطاهای شخصی

”همچون کارگزاران امین بر فیض گوناگون خدا، یکدیگر را با هر عطایی که یافته‌اید، خدمت کنید“ (اول پطرس ۴:۱۰، هزاره نو).

یکی از خصوصیات حیاتی رهبر مسیحی، این است که دیگران را برای خدمت مجهز سازد. در بخش اول این مجموعه، دیدیم که عدم آگاهی از عطاهای روحانی، اغلب منجر به این مشکل می‌شود که ایماندار خود را با دیگران مقایسه کند، یا اینکه فرد عطاهای دیگران را از دیدگاه عطای خاص خود مورد داوری و سنجش قرار دهد. عده‌ای نیز احساس عدم رضایت می‌کنند چرا که هیچگاه عطای منحصربه‌فردی را که خدا برای خدمت به ایشان داده، کشف نمی‌کنند. بنابراین، نخستین گام در جهت تجهیز کلیسا زمانی برداشته می‌شود که رهبر به این یقین برسد که باید خودش عطاهای گوناگون را درست درک کند و سپس آن را به گله‌اش تعلیم دهد. در اول پطرس ۴:۱۰، این تأئید وجود دارد که هر ایمانداری از عطاهایی خاص برخوردار است. بر اساس درک درست کتاب‌مقدس، می‌دانیم که هر که عیسی را به‌عنوان نجات‌دهنده و خداوند بپذیرد، سکونت روح‌القدس را در خود خواهد داشت و روح‌القدس به وی یک یا چندین عطا ارزانی خواهد

نمود. پطرس رسول ایماندار را سفارش می‌کند به اینکه همچون کارگزار یا پیشکار امین فیض خدا، از عطاهای خود برای خدمت به دیگران استفاده کند. او ایماندار را فرا می‌خواند تا عطاهای خود را کشف کند و سپس آنها را شکوفا سازد و به‌کار ببرد. در این مقاله، می‌خواهم فرایندی را تشریح کنم که به‌واسطه آن می‌توانیم عطاهای روحانی خود را کشف کنیم و آنها را در بدن مسیح به‌کار بیندازیم.

شخصاً چه نیازی را تشخیص می‌دهیم؟

یکی از نخستین گامها در جهت کشف عطای روحانی خود، می‌تواند در نیازهایی باشد که شما خودتان در بدن مسیح تشخیص می‌دهید. همه همان نیازها را در کلیسا نمی‌بینند زیرا هر کس کلیسا را از عینک عطای خاص خود مورد ملاحظه قرار می‌دهد. از خودتان بپرسید چه نیازی در گروه شما واقعاً شما را نگران می‌سازد. من شخصاً بیشتر دغدغه کمبود تعلیم را دارم، لذا متوجه می‌شوم که نسبت به سایر معلمان حالتی انتقادی دارم؛ علتش این است که این یکی عطاهای روحانی من است. اخیراً در باره این موضوع با عضوی از یکی از کلیساهای محلی بحث می‌کردم که از شبانش انتقاد می‌کرد که چرا بیش از اینها به گله‌اش سرکشی نمی‌کند. وقتی به او گفتم که شاید این عطای خودش باشد که ملاقات‌ها را انجام دهد، تعجب کرد. برایم روشن شد که او انتظار داشت که شبانش از همه عطاها برخوردار باشد و به فکرش خطور نکرده بود که شاید دیگران در همان جماعت باشند که

عطای رحمت و حتی عطای شبانی داشته باشند. در طول سالهایی که در مقام شبان خدمت کرده‌ام، بسیاری به من مراجعه کرده‌اند و نگرانی خود را در باره برخی از نیازها ابراز داشته‌اند. در دوران جوانی‌ام، احساس می‌کردم که باید همه کار برای همه انجام دهم، اما تجربه و درک بهتر کتاب‌مقدس به من آموخت که کسی را که به من مراجعه می‌کند، ترغیب کنم که وارد نوعی خدمت گردد.

عملاً وارد نوعی خدمت شویم

گام دوم این است که ایمانداران را تشویق کنیم که وارد نوعی خدمت شوند، زیرا فقط در حین انجام خدمت است که عطاهایمان تأئید می‌شوند. بعضی‌ها گویا در رؤیا هستند و فکر می‌کنند که عطاهای بسیاری دارند؛ اما به‌هنگام خدمت عملی است که ثابت می‌شود درست فکر می‌کنند یا نه. بعضی دیگر نیز هستند که فکر می‌کنند هیچ عطایی ندارند، اما وقتی مشغول انجام خدمتی می‌شوند، عطایشان آشکار می‌گردد. در اینجا است که تشخیص رهبر می‌تواند کارساز باشد، زیرا اگر بتواند احساس کند که عطای فرد چیست و او را تشویق کند تا خدمتی را شروع کند، آن شخص همیشه سپاسگزار او خواهد بود. در یکی از کلیساهای من، مردی خجالتی بود که خیلی زود تشخیص دادم که عطایی برای خدمت دارد. آنانی که عطای خدمت دارند، معمولاً در پی جلب توجه نیستند، بلکه رضایت خود را از کمک به دیگران دریافت می‌کنند. این مرد دوست داشت کارهایی را انجام دهد که باعث

می‌شد من از انجام آنها آزاد شوم. من توانستم او را به انجام برخی خدمات در کلیسا هدایت کنم.

نشانه‌های ارزیابی عطاهای شخصی

گام سوم این است که به دیگران کمک کنیم تا عطاهای خود را ارزیابی کنند، زیرا وقتی شخص مطابق عطاهای خود خدمت می‌کند، چند نشانه نمودار می‌شود.

- کسی که مطابق عطای خود خدمت می‌کند، معمولاً از خدمت خود لذت می‌برد و از آن دلزده نمی‌شود. اخیراً بعد از ساعت‌ها موعظه در کنفرانسی، شخصی به من گفت: "حتماً خیلی خسته شده‌اید!" لحظه‌ای به این گفته فکر کردم و پی بردم که خسته نبودم، چون از کارم لذت برده بودم.
- کسی که مطابق عطاهایش خدمت می‌کند، معمولاً در عطاهای خود ترقی کرده، در انجام آنهای قوی‌تر می‌شود. او اشتیاق دارد در خدمتش استعلا بیابد. برای مثال، معلم بیشتر مطالعه می‌کند تا معلم بهتری بشود؛ واعظ به موعظه‌های بیشتری گوش می‌کند تا واعظ بهتری بشود؛ و مشاور ساعت‌ها به مشکلات مردم گوش می‌کند تا قادر شود بهتر بر اساس کتاب‌مقدس مشورت بدهد. توجه به این نکته بسیار مهم است، زیرا وقتی دیگران را در خدمتشان مورد ملاحظه قرار می‌دهید، مایل می‌شوید ایشان را تشویق به ترقی کنید.

● کسی که مطابق عطاهایش خدمت می‌کند، ثمرات روزافزونتری می‌بیند و دیگران نیز از خدمت او برکت می‌یابند؛ و این تأئیدی است نیرومند بر عطاهای روحانی او. در یکی از کلیساهایی که خدمت می‌کردم، خانمی بود که معمولاً در جلسات سرود می‌خواند. گرچه صدای قوی‌ای نداشت، اما این عطای خاص را داشت که از طریق سراییدن، امواج شادی را به دیگران منتقل کند. هر بار که سرودی می‌خواند، بسیاری نزدش می‌رفتند و به او می‌گفتند که چقدر از خدمتش برکت یافته‌اند.

عطای اصلی هر فرد

در مورد اینکه شخص می‌تواند از چند عطا برخوردار باشد و اینکه آیا خدا برای زمان‌های مختلف عطاهای مختلف می‌دهد، بحث‌های زیادی هست. مشاهده شخصی من این بوده که خدا ممکن است عطاهای مختلفی به شخص بدهد، اما بعضی از آنها فعال باشد و بعضی دیگر غیرفعال. تصور من این است که هر شخص عطای اصلی و انگیزش‌دهنده‌ای دارد که تاج خدمت او می‌گردد و اگر درست تشخیص داده شود، باعث برکت خواهد شد. در مقالات بعدی، به این عطاهای اصلی و انگیزش‌دهنده خواهیم پرداخت و کمک خواهیم کرد تا هر کس عطای خاص خود را بیابد. فرموده پولس رسول را به تیموتاؤس فراموش نکنید که فرمود: "به آن عطایی که در توست بی‌اعتنایی مکن" (اول تیموتاؤس ۱۴:۴، هزاره نو).

عطای نبوت

”بر حسب فیضی که به ما بخشیده شده است، دارای عطایای گوناگونیم. اگر عطای کسی نبوت است، آن را متناسب با ایمانش به کار گیرد“ (رومیان ۱۲:۶، هزاره نو).

هر ایمانداری به‌هنگام تولد تازه، عطایی روحانی دریافت می‌دارد تا آن را برای بنای بدن مسیح به‌کار گیرد. در خصوص نحوه طبقه‌بندی و تفسیر عطاهای روح‌القدس، مباحثات بسیاری وجود داشته است؛ من دو نحوه طبقه‌بندی آنها را اجمالاً خاطرنشان می‌سازم. برخی این سه دسته ارائه می‌دهند: الف) عطاهای گفتاری نظیر موعظه و تعلیم؛ ب) عطاهای خدمت نظیر رحم و شفقت؛ و ج) عطاهای نشانه که ماهیتی معجزه‌گونه دارند، نظیر شفا.

این طبقه‌بندی گرچه مفید است، اما به نظر من، طبقه‌بندی دیگری هست که به‌لحاظ درک نحوه عملکرد عطاها در جماعت محلی، مفیدتر می‌نماید. این طبقه‌بندی، نگرشی کاربردی دارد و عطاهای مذکور در رومیان ۱۲ را به این صورت دسته‌بندی می‌کند: نخست) عطاهای انگیزش‌دهنده نظیر نبوت، خدمت، تعلیم، تشویق، هدیه دادن، سازمان دادن، و رحم و شفقت. در این طبقه بندی، فرض بر این است که هر

ایمانداری عطایی مشخص دارد که نقش انگیزش دادن روحانی را در پس خدمات خاص دارا است و نگرش شخص در عملی ساختن خدمت خود را تعیین می‌کند. دوم) عطاهای خدمت که فرصت‌هایی را برای خدمات خاص بوجود می‌آورد و انواع خدماتی را که ایماندار بر عهده خواهد گرفت، تعیین می‌کند. نمونه‌های چنین عطاهایی، خدمت رسولان، انبیا، معلمین، مددرسانان، شفادهندگان و غیره می‌باشد. سوم) عطاهای متجلی‌شونده که قابلیت‌های خاصی را برای خدماتی مخصوص به‌دست می‌دهد. جزو این دسته، تجلی قدرت الهی را به‌صورت کلام حکمت، کلام علم، ایمان و غیره مشاهده می‌کنیم.

ما بررسی خود را با عطاهای انگیزش‌دهنده، آن گونه که در رومیان ۱۲:۳-۱۶ آمده، آغاز می‌کنیم، زیرا به باور بنده، بسیار مهم است که تشخیص دهیم خدا هر یک از ما را به چه شکلی برای خدمت مسیحی انگیزش می‌دهد. در این بخش از رساله رومیان، به هفت عطا اشاره شده؛ ما در این مقاله، بررسی خود را با عطای نبوت شروع می‌کنیم (آیه ۹).

نبوت در عهدعتیق

برای درک بهتر عطای روحانی نبوت، لازم است نقش انبیا را در عهدعتیق بررسی کنیم. خدمت ایشان این بود که کلام خدا را با شجاعت اعلام کنند، طوری که با زندگی قوم خدا انطباق بیابد. همین تأکید را در

عهدجدید مشاهده می‌کنیم: "آن که نبوت می‌کند، با انسانهای دیگر، برای بنا، تشویق و تسلی‌شان سخن می‌گوید" (اول قرنتیان ۳:۱۴). دومین عنصر موجود در نبوت‌های عهدعتیق، بیان آن چیزی است که در انتظار قوم خدا است. این عنصر را در پیشگویی اشعیا در خصوص جزئیات ولادت خداوند عیسی می‌بینیم و بدینسان بر هویت او تأکید گذارده می‌شود. در عهدجدید، پیشگویی آینده را کمتر می‌بینیم، و بیشتر شاهد اعلام کلام خدا هستیم؛ اما هشداری جدی داده شده که به آن چه که قبلاً در کتاب‌مقدس مکشوف شده، چیزی اضافه نشود یا چیزی از آن کاسته نگردد (مکاشفه ۱۸:۲۲-۱۹). به‌طور خلاصه، کسی که عطای نبوت دارد، این قابلیت روحانی را تحت کنترل روح‌القدس دریافت داشته که کلام خدا را با چنان قدرت و وضوحی بیان کند که باعث ایجاد الزام و یقینی عمیق در کلیسا گردد.

خصوصیات نبی

بیایید اکنون به بررسی خصوصیات ویژه شخصی بپردازیم که دارای عطای نبوت است؛ به این ترتیب، خواهیم توانست تشخیص دهیم که آیا شخص دارای این عطا هست یا نه. پطرس رسول نمونه خوبی است از کسی که از این عطا برخوردار می‌باشد. هم‌او بود که باشهامت در روز پنطیکاست موعظه کرد و هم‌او بود که با فریبکاری حنانیا و سفیره مقابله نمود. وقتی پیشینه خدمت او را از نظر می‌گذرانیم، خصوصیات ذیل را در او مشاهده می‌کنیم.

سریع و صریح سخن می‌گویند

انبیا اهل سخن گفتن هستند و آنچه را که درست یا نادرست می‌انگارند، سریع بیان می‌کنند. پطرس نظرات خود را صریحاً بیان می‌داشت و این کار را اغلب شتاب‌زده انجام می‌داد، یعنی ظاهراً پیش از آنکه فکر کند، سخن می‌گفت. اگر عطای شما نبوت است، به‌احتمال زیاد، سریع و صریح سخن می‌گویید.

سریع قضاوت می‌کنند

انبیا گرایش دارند که سریع قضاوت کنند، حتی پیش از آنکه همه اطلاعات لازم را در دست داشته باشند. پطرس با اصرار از عیسی خواست که به اورشلیم نرود؛ درضمن، او نخستین کسی بود که گفت هرگز به خداوندش خیانت نخواهد کرد.

باعث رنجش می‌شوند

انبیا ممکن است با خطاهای اطرافیان و اعضای کلیسا به‌طرزی دردآور مقابله کنند. این خصوصیت را در نحوه مقابله پطرس با حنانیا و سفیره در فصل ۵ کتاب اعمال مشاهده می‌کنیم. اگر شخصی را می‌شناسید که این عطا را دارد، اغلب از سوی ایشان زخمی می‌شوید و احساس می‌کنید که به شکل خاصی دیگران را از خود می‌رنجانند. به همین دلیل است که خدا اغلب در کنار نبی، کسی را قرار می‌دهد که عطای رحمت و شفقت داشته باشد.

سازش‌ناپذیرند

انبیا در استفاده از کتاب‌مقدس، سازش‌ناپذیرند. به فرمایش پطرس به حنانیا توجه کنید: ''تو نه به انسان، بلکه به خدا دروغ گفتی!'' (اعمال ۴:۵). اگر واعظ کلیسای شما عطای نبوت دارد، می‌تواند با گناه و بی‌عدالتی بسیار سخت برخورد کند، طوری که بسیاری از رفتار عاری از ملاطفت او شاکی شوند. انبیا ممکن است بسیار شریعت‌گرا باشند، خصوصاً وقتی که در جسم عمل می‌کنند و نه در روح‌القدس.

وفادارند

انبیا معمولاً به عقاید و به مردم بسیار وفادارند و خیلی سخت می‌توانند بپذیرند که اشتباه می‌کنند. پطرس عیسی را مطمئن ساخت که هرگز به او خیانت نخواهد کرد؛ و وقتی خیانت کرد، پذیرش آن برایش بسیار دردناک بود. تنها راه برای متقاعد کردن یک نبی به پذیرش خطایش، این است که آیات کتاب‌مقدس را به او یادآوری کنید و برای الزام روح‌القدس دعا کنید.

از رنج استقبال می‌کنند

انبیا از رنج کشیدن به‌خاطر راستی به‌گونه‌ای شگفت‌انگیز استقبال می‌کنند. در فصل ۵ اعمال، وقتی پطرس را بازداشت کردند، گفت: ''خدا را باید بیش از انسان اطاعت کرد'' (آیه ۲۹). بعداً در همان فصل می‌خوانیم که رسولان شادی کردند زیرا شایسته شمرده شدند که

به‌خاطر نام او متحمل رسوایی شوند (آیه ۴۱). نبی معمولاً برای خود افتخار می‌داند که مردم با پیامش مخالفت کنند، زیرا بر این باور است که این امر بیشتر تأئید می‌کند که او یکه و تنها برای خدا ایستاده است.

متقاعدکننده سخن می‌گویند

انبیا این قابلیت را دارند که به‌هنگام اعلام کلام خدا، بسیار متقاعدکننده باشند. وقتی پطرس این موعظه الزام‌آور را برای شنوندگان یهودی خود ایراد کرد، خدا هزاران نفر را به ایمان رهنمون شد: ”آن مرد بنا بر مشیت و پیشدانی خدا، به شما تسلیم کرده شد و شما به دست بی‌دینان بر صلیب کشیده، کشتید“ (اعمال ۲:۲۳). انبیا با شور و حرارت و قدرت بسیار موعظه می‌کنند و شنوندگان خود را به گناه و نیازشان به نجات ملزم می‌سازند و به این ترتیب، برکتی برای کلیسا هستند.

انبیا هدیه خاص خدا به کلیسا می‌باشند، زیرا دائماً حقیقت کلام خدا را بالا نگاه می‌دارند؛ اما قرار نیست ایشان تنها باشند؛ از اینرو، خدا عطاهای متعادل‌کننده را در بدن خود، یعنی کلیسا قرار داده، همچون عطای رحم و شفقت را، تا به بدن مسیح کمک شود که به شخصیت و کار خداوند ما عیسی مسیح عمیق‌تر بیندیشند.

بخش چهارم

عطای خدمت

"اگر خدمت است، خدمت کند" (رومیان ۱۲:۷).

کلیسا بدن مسیح است و مسیح به هر عضوی عطاهای روحانی بخشیده است. "اما به هر یک از ما به فراخور اندازه بخشش مسیح، فیض بخشیده شده است" (افسسیان ۴:۷). لذا وظیفه رهبران کلیسا این است که کارکرد و نقش عطاها را در کتاب‌مقدس درک کنند و به جماعت خود تعلیم دهند که چگونه از آنها استفاده کنند. در بخش قبل، بررسی رومیان ۱۲:۶-۸ را آغاز کردیم و دیدیم که در اینجا پولس ما را با هفت عطای انگیزش‌دهنده که خدا به کلیسایش داده است، آشنا می‌سازد. من اعتقاد دارم که هر عضوی در کلیسا، به‌واسطه عطایی که به او داده شده، در خدمت مسیحی خود انگیزش می‌یابد. در آیه ۶، پولس عطای نبوت را معرفی می‌کند که در بخش پیشین به آن پرداختیم؛ اینک در آیه ۷، به عطای "خدمت" می‌پردازیم. هم پطرس و هم پولس به این عطای خاص اشاره کرده‌اند. "اگر کسی خدمت می‌کند، با قدرتی که خدا می‌بخشد خدمت کند، تا در همه چیز، خدا به‌واسطه عیسی مسیح تمجید شود" (اول پطرس ۴:۱۱). پطرس روشن می‌سازد

که خدمتگزاری امری است روحانی و باید با قدرت روح‌القدس انجام شود، به‌گونه‌ای که جلال به خدا برسد.

چرا خدمتگزاری مهم است

کسی که عطای خدمتگزاری دارد، از قابلیت خاصی برای تشخیص نیازهای دیگران و برطرف ساختن آنها برخوردار است. برای من شگفت‌انگیز است که پولس عطای خدمت را درست بعد از عطای نبوت قرار داده است. یقین دارم که روح‌القدس این ترتیب را برای عطاها به‌کار برده تا چند حقیقت حیاتی را به ما یادآوری کند.

مُهر اصالت پیام ما

نخست، خدمت کردن به دیگران در بدن مسیح ضروری است تا به پیام ما اصالت و اعتبار ببخشد. نبی می‌تواند کلام خدا را اعلام دارد، اما اغلب اوقات، این عمل خدمتگزاری است که مردم را جذب می‌کند، و به سخن ما جسم می‌بخشد، و حقیقت را در دل مردم مُهر می‌کند. خداوند ما عیسی که کلمه تجسم‌یافته است، همچون خدمتگزار ظاهر شد. "زیرا به شما می‌گویم که مسیح برای نشان دادن امانت خدا، خدمتگزار یهودیان شد تا بر وعده‌هایی که به پدران داده شده بود، مُهر تأیید زند" (رومیان ۱۵:۸). چه بسیار افراد بسوی مسیح آمده‌اند فقط به این دلیل که اعمال محبت‌آمیز خادم مسیح را دیده‌اند!

نشان‌دهنده خصائل مسیح

دوم، خدمت کردن به دیگران، نشان‌دهنده خصائل مسیح است. ”بلکه خود را خالی کرد و ذات غلام پذیرفت“ (فیلیپیان ۷:۲). همین خصلت را بهتر درک خواهیم کرد، وقتی می‌بینیم که پولس می‌فرماید: ”هیچ کاری را از سر جاه‌طلبی یا تکبر نکنید، بلکه با فروتنی دیگران را از خود بهتر بدانید“ (فیلیپیان ۳:۲). وقتی دیگران را با فروتنی خدمت می‌کنیم و اشتیاقی خالص داریم که خدا را جلال دهیم، این امر بر پیغامی که نبی اعلام داشته، شهادت می‌دهد.

چگونه تشخیص دهیم

بدیهی است که همه ایمانداران دعوت دارند که بخاطر مسیح دیگران را خدمت کنند، اما خدا به کلیسایش افرادی را بخشیده که عطای روحانی خدمت را دارند. شخص چگونه می‌تواند تشخیص دهد که از این عطا برخوردار می‌باشد. تیموتائوس این عطا را داشت و می‌توانیم در زندگی او خصوصیات شخصی را مشاهده کنیم که دارای آن می‌باشد.

جاری بودن اشتیاق به خدمت

خدمتگزار قابلیت این را دارد که نیازهای عملی دیگران را ببیند و مشتاق است آنها را برطرف سازد. برای چنین شخصی، خدمت کردن امری اجباری نیست، بلکه از درون او جاری است. این عطیه را در

تیموتائوس مشاهده می‌کنیم و پولس در خصوص او چنین شهادت می‌دهد: ”کسی دیگر ندارم که اینچنین خالصانه به فکرتان باشد“ (فیلیپیان ۲:۲۰).

احساس شادی

خدمتگزار وقتی می‌بیند که بار دیگران را سبک می‌کند تا به خدمت خاص خود بپردازند، شادی خاصی احساس می‌کند. پولس شهادت می‌دهد که تیموتائوس برای او همچون پسر است تا خودش بتواند در خدمتش مؤثرتر باشد. خدمتگزاران از اینکه بتوانند واعظان و معلمان را از مشغله‌های مختلف آزاد سازند تا تمام نیرویشان را صرف خدمتشان بکنند، بسیار شاد می‌شوند.

نمی‌تواند پاسخ منفی بدهد!

برای خدمتگزار دشوار است که به مردمی که نیازمند کمک او هستند پاسخ منفی بدهد. این امر اغلب سبب می‌شود که وظایف متعددی بر دوش بگیرد و قول‌های زیادی بدهد. کسانی که انتظارهایشان برآورده نمی‌شود، ممکن است احساس سرخوردگی و خشم کنند. این هشداری است برای کسانی که عطای خدمت دارند: در قول‌هایی که به دیگران می‌دهید، واقع‌بین باشید، و مطمئن شوید که می‌توانید سر قولتان بایستید.

نیاز به تشویق دارد

خدمتگزار نیاز دارد از سوی کسانی که خدمتشان می‌کند، مورد تشویق قرار گیرد. پولس این نکته را در تیموتائوس مشاهده کرد، و از اینرو او را مورد تشویق قرار داد.

میل به دیدن نتیجه

خدمتگزار مایل است دستورالعمل‌های روشنی در مورد خدمتی که از او انتظار می‌رود، داشته باشد و به طرح‌های کوتاهمدت واکنش مثبت‌تری نشان می‌دهد، زیرا می‌تواند نتایج آنها را زودتر مشاهده کند. پولس تیموتائوس را تشویق می‌کرد که در دعوت خود استوار بماند (اول تیموتائوس ۴:۱۶).

احساس عدم کفایت می‌کند

خدمتگزار اغلب با احساس عدم کفایت دست‌به‌گریبان است و ممکن است خود را از نظر روحانی واجد صلاحیت نداند. پولس لازم می‌دید مکرراً به تیموتائوس یادآوری کند که واجد صلاحیت است زیرا دعوت او از خدا بوده است. اغلب اوقات، عطاهای تکلمی ممکن است روحانی‌تر تلقی شود؛ به همین جهت، ممکن است سبب شود که خدمتگزاران کار خود را آنقدر مهم نینگارند.

دو گرایش خطرناک

شاید شما خودتان این خصوصیات خدمتگزاری را در خود یا در یکی از اعضای جماعتتان تشخیص دهید. در خاتمه این مقاله، به زنی توجه کنیم که طبق شهادت انجیل‌ها، عطای خدمتگزاری داشت. ماجرای مارتا را می‌توان در لوقا ۱۰:۳۸-۴۲ یافت. در کسانی که عطای خدمت دارند، دو گرایش ممکن است به چشم بخورد که باید آنها را تحت کنترل در آورد.

فراموش کردن نیاز به روح‌القدس

نخست اینکه مارتا آنقدر ''خدمت‌محور'' شده بود که فراموش کرده بود باید در کنار پای عیسی نیز بنشیند. ''اما مارتا... سخت مشغول تدارک پذیرایی بود'' (آیه ۴۰). برای خدمتگزاران این خطر وجود دارد که خود را در اثر خدمت به دیگران درمانده سازند و فراموش کنند که لازم دارند با مطالعه و تعمق بر کتاب‌مقدس و دعا، از روح‌القدس پر شوند.

قضاوت کردن بر دیگران

دوم، مارتا دچار ''فرافکنی عطای خود'' شد و مریم را شماتت کرد که چرا مانند او مشغول خدمت نیست. او شکایت‌کنان به عیسی گفت: ''سرورم، آیا تو را باکی نیست که خواهرم مرا در کار پذیرایی تنها گذاشته است؟'' (آیه ۴۰). کسانی که عطای خدمت دارند، ممکن بسیار

آسان در دام قضاوت کردن دیگران بیفتند. ممکن است دچار این تصور شوند که همه پیروان واقعی عیسی باید همواره در حال خدمت کردن به دیگران باشند. پاسخ البته این است که باید میان مریم که در کنار پای عیسی نشسته بود، و مارتا که عیسی را خدمت می‌کرد، تعادلی به‌وجود آورد.

خدا را برای آنانی که عطای خدمتگزاری را دریافت داشته‌اند سپاس می‌گوییم. یقین حاصل کنید که ایشان را مورد تشویق قرار می‌دهید و از آنان قدردانی به‌عمل می‌آورید.

بخش پنجم

عطای تعلیم

''اگر تعلیم است، تعلیم دهد'' (رومیان ۱۲:۷).

خدا به هر ایماندار یک یا چند عطا ارزانی داشته است. وظیفه رهبران کلیسا این است که عطای خودشان را تشخیص دهند تا بتوانند دیگران را تشویق کنند تا عطاهای خاص خود را کشف نمایند. کلیسا مانند نقاشی زیبایی روی شیشه پنجره‌های کلیسا است که بر آن تصویر عیسی نقش بسته باشد؛ این شیشه از قطعات مختلف رنگی درست شده که وقتی آفتاب از طریق آن می‌تابد، عیسی دیده می‌شود. در این مجموعه از مقالات در باره تجهیز مقدسان، به بررسی فصل ۱۲ رومیان و آنچه که ''عطاهای انگیزش‌دهنده'' نامیدیم، پرداختیم. تا اینجا عطاهای نبوت و خدمت را بررسی کردیم. اکنون توجه خود را به عطای بعدی که در این فصل از رساله به رومیان ذکر شده، یعنی عطای ''تعلیم'' معطوف می‌سازیم. امید من این است که این بررسی به شما یاری دهد تا معلمان را در میان جماعت خود تشخیص دهید و از این راه، فرصت‌های لازم را برای رشد قابلیتشان در اختیارشان قرار دهید.

اهمیت عطای تعلیم

خداوند ما نقش تعلیم را بسیار ارج نهاد چرا که وقتی رسالت بزرگ را بر دوش شاگردان گذارد، به ایشان فرمود: ‘‘بروید و همه قوم‌ها را شاگرد سازید و ایشان را... تعمید دهید و به آنان تعلیم دهید که هر آنچه به شما فرمان داده‌ام، به‌جا آورند‘‘ (متی ۱۹:۲۸-۲۰).آنچه که در کلیسا سبب می‌شود که ایمانداران جدید در مسیح رشد کنند و به شباهت او در آیند، همین خدمت تعلیم است (دوم تیموتائوس ۱۶:۳-۱۷ و یوحنا ۱۷:۱۷). لذا عطای روحانی تعلیم آن قابلیت خاص و خدادادی است به‌منظور انتقال حقایق کلام خدا به دیگران، آن سان که ایشان بتوانند آن را درک کنند و بدانند که آن را چگونه در زندگی خود به‌کار برند.

معلم خوب کیست؟

یکی از نمونه‌های خوب در این زمینه، آپولُس است که معلم کلام خدا بود. از اعمال ۲۴:۱۸-۲۸ پی می‌بریم که او چه نوع معلمی بود:

الف) او مردی بود تحصیل‌کرده و کتب مقدس را به‌دقت می‌دانست (آیه ۲۴). معلم خوب کسی است که خود را با مطالعه فراوان آماده ساخته باشد.

ب) او ''تعلیم‌پذیر'' بود؛ ''او در طریق خداوند آموزش یافته بود'' (آیه ۲۵). معلم خوب کسی است که اصلاح‌پذیر باشد و حاضر باشد از دیگران بیاموزد. او در مقابل عقاید متفاوت دیگران حالت دفاعی به خود نمی‌گیرد، بلکه آماده است تا درک خود را در پرتو کلام خدا مورد تجدید نظر قرار دهد.

ج) او ''با حرارت روح (با شور و حرارت) سخن می‌گفت'' (آیه ۲۵). تعلیم او فقط بازگو کردن خشک و بی‌روح حقایق نبود، بلکه آنها را با شور و شوق بیان می‌کرد. معلم خوب کسی است که هم دل خود را در تعلیم خود به‌کار گیرد، و هم ذهن خود را.

د) او ''به‌دقت در باره عیسی تعلیم می‌داد'' (آیه ۲۵). معلم خوب کسی است که به تحقیق می‌پردازد تا مطمئن گردد که آنچه تعلیم می‌دهد، دقیق است.

هـ) او قادر بود بیانات خود را از کتب مقدس اثبات کند (آیه ۲۸). معلم خوب از قدرت منطق آگاه است و تعلیم خود را به کمک شواهد و براهین استحکام می‌بخشد.

خصوصیات معلم خوب

اما چگونه می‌توان تشخیص داد که کسی عطای تعلیم را دارد یا نه؟ باز برای پاسخ به این سؤال، به یکی از شخصیت‌های کتاب‌مقدس رجوع می‌کنم که به باور من، از عطای تعلیم برخوردار بود؛ این شخص همان دکتر لوقا است (لوقای طبیب). از نوشته‌های او می‌آموزیم که:

اطمینان از درستی مطالب

۱- معلم باید ابتدا خودش به درستیِ مطالب یقین حاصل کند و بعد آن را برای دیگران اثبات کند: دکتر لوقا این امر را در مقدمه انجیلش تشریح می‌کند. او به تئوفیلوس می‌گوید که شخصاً همه امور را از آغاز مورد تحقیق قرار داده است ”تا از درستیِ آنچه آموخته‌اید، یقین پیدا کنید“ (لوقا ۱:۴).

اعتبار بخشیدن به مطالب

۲- معلم باید پیش از تعلیم یا سخنرانی، به مطالب خود اعتبار ببخشد: دکتر لوقا به‌هنگام آغاز به نوشتن، برای مطالب خود مراجعی برای اعتبار بخشیدن به آنها ارائه می‌دهد. او تأکید می‌کند که اطلاعات خود را از شاهدان عینی به‌دست آورده و آنها را از ابتدای امر، مورد تحقیق قرار داده است. او می‌کوشد اعتبار مطالب خود را به اثبات

برساند. بعضی از معلمین برای اثبات اعتبار بیانات خود، به عناوین تحصیلی و شغلی خود اشاره می‌کنند تا توجه مردم را جلب کنند.

رعایت ترتیب و توالی مطالب

۳- معلم گرایش دارد مطالب خود را با ترتیب و توالی‌ای منظم ارائه دهد: دکتر لوقا بیان می‌دارد که کوشیده تا روایت را با نظم و ترتیب ارائه دهد. او به ترتیب و توالی رویدادها توجه خاصی دارد و می‌کوشد فرایند پیشرونده و منطقی آنها را به نگارش در آورد. معلم خوب باید رئوس مطالب و نکات مهم را طوری ارائه دهد که شنوندگان بتوانند آنها را به‌شکلی منظم و سازمان‌یافته درک کنند.

مطالعه فراوان

۴- معلم گرایش دارد که به مطالعه فراوان بپردازد و اطلاعاتی به حد نیاز ارائه دهد: انجیل لوقا طولانی‌ترین انجیل است و مبتنی است بر تحقیقات دقیق. او به ذکر جزئیاتی می‌پردازد که در سایر انجیل‌ها یافت نمی‌شود. او در مقدمه کتاب اعمال رسولان می‌نویسد: ''ای تئوفیلوس، من کتاب نخست خود را در باب همه اموری تألیف کردم که عیسی به عمل نمودن و تعلیم دادنشان آغاز کرد'' (اعمال ۱:۱). او می‌کوشد حتی نکته‌ای هم از قلم نیفتد. بسیاری از معلمین برای اثبات نظر خود، از ده آیه یا بیشتر استفاده می‌کنند، و آنقدر شواهد ارائه می‌دهند که شنوندگان قادر به جذب آنها نمی‌گردند.

ارائه جزئیات بسیار

۵- معلم گرایش دارد که جزئیات بیشتری ارائه دهد: لوقا در مقام پزشک، در روایت خود جزئیات پزشکی بسیاری ارائه می‌دهد. در لوقا ۳۸:۴، او به ذکر ''تب'' اکتفا نمی‌کند، بلکه می‌نویسد: ''تبی سخت''. او به ذکر اسامی و منصب‌ها و شهرها و تاریخ‌ها و رویدادهایی می‌پردازد که در سایر انجیل‌ها یافت نمی‌شود. همه اینها حاکی از علاقه وافر معلم به دقت مطالب است.

استفاده از مطالب مستند

۶- معلم خوب گرایش دارد از مطالبی استفاده کند که مستند است، و نه مبتنی بر ملاحظات شخصی‌اش. حتماً به معلمینی برخورد کرده‌اید که تعلیم خود را بر تجارب خود استوار می‌سازند. اما معلم واقعی می‌کوشد از مراجعی نقل قول کند که صاحب مرجعیت می‌باشند. او در پی آن است که از درستی تعلیم خود یقین حاصل کند. لوقا اغلب به سایر منابع اشاره می‌کند.

سخت‌کوشی برای درک حقیقت

۷- معلم خوب سخت‌کوش است و تلاش می‌نماید تا حقیقت را درک کند و آن را به دیگران منتقل سازد. لوقا وقت زیادی را با پولس صرف کرد، حتی زمانی که وی در حبس بود. پولس می‌فرماید: ''تنها لوقا با

من است“ (دوم تیموتائوس ۴:۱۱). وفاداری لوقا به پولس و عطش او برای حقیقت، او را تبدیل کرد به معلمی برجسته که باعث برکت همگی کسانی شده که انجیل لوقا و کتاب اعمال رسولان را خوانده‌اند.

امیدوارم این توصیف از کسانی که دارای عطای تعلیم هستند، باعث تشویق شما شده باشد تا این عطا را در خود و در دیگران تشخیص دهید.

بخش ششم

عطای تشویق

”چنانکه می‌دانید، رفتار ما با یک‌یک شما چون رفتار پدری با فرزندش بود. شما را تشویق کرده، دلداری می‌دادیم و سفارش می‌کردیم که شیوه رفتارتان شایسته خدایی باشد که شما را به پادشاهی و جلال خود فرا می‌خواند“ (اول تسالونیکیان ۲:۱۱-۱۲، ”هزاره نو“).

در بخشهای پیشین، با یکدیگر عطاهای انگیزش‌دهنده روح‌القدس را که در رومیان ۱۲:۶-۸ آمده، بررسی کردیم؛ اینک به عطای ”تشویق“ یا نصیحت می‌رسیم که در آیه ۸ ذکر شده است. اساس عقیده ما این است که به هر ایمانداری مجموعه‌ای از عطاها داده شده که یکی از آنها غالب است و در خدمت ایماندار، نقشی انگیزش‌دهنده بازی می‌کند. کلمه ”تشویق“ در یونانی واژه ”پاراکلِت“ است، به‌معنی کنار کسی قرار گرفتن برای سهیم شدن در نیازهای او و ارائه کمکهای الهی به وی. این همان نامی است که به روح‌القدس داده شده که الگوی کامل ما به‌عنوان مشوق و تسلی‌دهنده است. در اینجا منظور ما این است که شخص مشوق می‌تواند بنا به اقتضای موقعیت، تشویق یا توبیخ کند.

عطایی برای همه

تشویق عطایی است روحانی، اما درضمن، خدمتی است که تمام بدن مسیح باید در آن سهیم باشد. کتاب‌مقدس ما را سفارش کرده به اینکه همگی مشوق یکدیگر باشیم؛ این امر کمک می‌کند تا ماهیت عطای تشویق روشنتر گردد.

تشویق به رشد

نخست، از همه ما انتظار می‌رود تا یکدیگر را به رشد در مسیح تشویق کنیم. پولس می‌فرماید: ”ما او را وعظ می‌کنیم، و هر کس را با کمال حکمت پند می‌دهیم و می‌آموزیم، تا همه را کامل در مسیح حاضر سازیم“ (کولسیان ۲۸:۱). همه ایمانداران باید یکدیگر را تشویق کنند تا در کلام بمانند و برای دعا وقت صرف کنند و در حضور در جلسات به‌منظور الهام یافتن از یکدیگر وفادار باشند.

تشویق به‌هنگام سختی‌ها

دوم، خدا حکم کرده که یکدیگر را در مواقع اندوه و ماتم و دلسردی، تسلی دهیم. پولس در دوم قرنتیان ۴:۱ چنین می‌فرماید: ”که به ما در همه سختی‌هایمان دلگرمی می‌بخشد تا ما نیز بتوانیم با آن دلگرمی که از او یافته‌ایم، دیگران را که از سختی‌ها می‌گذرند، دلگرم سازیم.“ ما باید در کنار برادر و خواهر رنجدیده خود بایستیم و

بگذاریم احساس کنند که به آنان توجه داریم، و نیز از طریق کلام خدا و دعا، به ایشان امید ببخشیم.

مشاوره بر اساس کلام

سوم، کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که باید خدمت ارائه مشاوره به دیگران را داشته باشیم، مشاوره بر اساس حکمت خدا. فرمایش پولس رسول در رومیان ۱۴:۱۵ مرا عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ می‌فرماید: ”ای برادران، من خودْ این اطمینان را دارم که شما خود از نیکویی مملو، و از معرفت کامل برخوردارید و به پند گفتن به یکدیگر نیز توانایید.“ خدمت تشویق ما شامل آگاهی کامل از کلام خداست، طوری که بتوانیم حکمت و مشورت آن را به‌راحتی با آنانی که در سختی‌های زندگی درمانده هستند، در میان بگذاریم.

خصوصیات مشوق

تا به اینجا، در این مجموعه از مقالات، یکی از شخصیت‌های کتاب‌مقدس را مورد بررسی قرار داده‌ایم که به‌روشنی ویژگیهای عطای روحانی مورد بحث ما را دارا بوده‌اند. به نظر من، پولس رسول یک مشوق بود؛ اکنون با بذل توجه به خصوصیات بارز خدمت او، امید دارم که بتوانید تشخیص دهید که آیا از این عطای فوق‌العاده برخوردار هستید یا نه.

به‌سمت رشد روحانی تشویق می‌کند

تشویق‌کنندگان انگیزشی قوی در خود احساس می‌کنند تا دیگران را به رشد روحانی سوق دهند. با مطالعه‌ای دقیق، این موضوع را در رسالات پولس مشاهده خواهید کرد. در کولسیان ۲:۲۸-۲۹، پولس اعلام می‌دارد که هدفش در خدمت، موعظه در باره مسیح است و اینکه هر کس را با هر حکمتی تشویق کند تا ''همه را کامل در مسیح حاضر'' سازد. شخص تشویق‌کننده فقط به موعظه کردن اکتفا نمی‌کند؛ او مشتاق است نتایج را در زندگی شنوندگانش ببیند و اغلب ساعت‌ها بعد از اتمام جلسه در کلیسا می‌ماند تا با مردم در باره مسیح سخن بگوید.

مشکلات دیگران را تشخیص می‌دهد

تشویق‌کنندگان قابلیت زیادی برای تشخیص سریع وضعیت روحانی دیگران را دارند و با ایشان در سطح درک و رشدشان سخن می‌گویند. پولس این عطا را در رساله‌اش به مسیحیان قرنتس ظاهر می‌سازد؛ می‌فرماید: ''اما ای برادران، من نتوانستم با شما همچون اشخاص روحانی سخن بگویم، بلکه همچون اشخاصی نفسانی سخن گفتم، یعنی مانند کسانی که در مسیح، کودکِ نوزادند'' (اول قرنتیان ۳:۱). تعلیمی که تشویق‌کننده می‌دهد، تأثیر بیشتری بر شنوندگان می‌گذارد زیرا ایشان احساس می‌کنند که به کسی گوش می‌دهند که از مشکلاتشان با

خبر است. به این ترتیب، تعلیمش قابل درک و معمولاً بسیار عملی است.

عمل‌گرا است

تشویق‌کنندگان در خدمتشان معمولاً بسیار عمل‌گرا هستند و اغلب اوقات قدم‌های عملی مشخصی ارائه می‌دهند که برای رشد روحانی ضروری است. ایشان اغلب استعداد زیادی دارند در استفاده از منطق و تمثیل‌ها برای روشن ساختن حقیقت. دوست دارند از نمودارها و وسایل بصری استفاده کنند تا حقیقت قابل اجرا گردد. اگر بتوان معلم را به یک محقق تشبیه کرد، مشوق را می‌توان به جراحی تشبیه کرد که بدن بیمار را می‌شکافد و آنچه را که مانع سلامتی است، می‌بُرد.

آینده‌ای درخشانتر را می‌بیند

تشویق‌کنندگان می‌توانند شرایط کنونی شخص را ببینند و بدانند که وی در مسیح می‌تواند تبدیل به چه شخصی شود. پولس رشد روحانی ایمانداران در شهر فیلیپی را می‌دید؛ از اینرو به آنان چنین نوشت: ”ای برادران، با هم از من سرمشق بگیرید، و توجه خود را به کسانی معطوف کنید که مطابق الگویی که در ما سراغ دارید، رفتار می‌کنند“ (فیلیپیان ۱۷:۳). می‌گویند واعظ معروفی که عطای تشویق داشت، به‌هنگام موعظه، تاجهایی را دید که بر سر هر یک از شنوندگانش قرار گرفته بود، و می‌دید که ایشان آنقدر رشد خواهند کرد که شایسته

آن گردند. مشوقین می‌توانند با کسانی که زندگی به‌هم‌ریخته‌ای دارند، شکیباتر باشند، زیرا می‌توانند به ایشان کمک کنند که بر مشکلاتشان فائق آیند و در ایمان رشد کنند.

مشکلات را استقبال می‌کند

با نهایت تعجب، تشویق‌کنندگان از مشکلات شخصی در زندگی خود و دیگران، استقبال می‌کنند، زیرا می‌دانند بحران‌های زندگی چه قدرتی برای رشد روحانی به‌همراه می‌آورد. پولس به مشکلات خود به‌شکلی منحصربه‌فرد می‌نگریست؛ او می‌نویسد: "زیرا رنجهای جزئی و گذرای ما، جلالی ابدی برایمان به‌ارمغان می‌آورد که با آن رنجها قیاس‌پذیر نیست" (دوم قرنتیان ۱۷:۴). اگر به‌دنبال مشوقی هستید تا مشکلاتتان را با او در میان بگذارید، تعجب نکنید که او بجای همدردی با شما، به هیجان بیاید و مشکلات شما را فرصتی برای رشدتان تلقی کند. ممکن است از شما بپرسد که خدا از طریق این مشکلات چه درسی به شما می‌آموزد.

هم‌شکل مسیحیان مختلف می‌شود

تشویق‌کنندگان قابلیت بسیاری دارند برای هم‌شکل شدن با گروههای مختلف مسیحیان تا افراد بیشتری را جذب انجیل کنند؛ ایشان آماده‌اند تا در جزئیات سازش کنند تا هدف کلی مسیح را تحقق بخشند. پولس دل خود را در خصوص این موضوع باز می‌کند و می‌فرماید: "همه کس

را همه چیز گشتم تا به هر نحو بعضی را نجات بخشم" (اول قرنتیان ۹:۲۲). کسانی که عطای نبوت و تعلیم دارند، معمولاً از این امر خشنود نیستند و فکر می‌کنند که تشویق‌کنندگان دست به سازش می‌زنند. اما این تشویق‌کنندگان هستند که مجراها را برای برقراری ارتباط با طردشدگان باز نگه می‌دارند، زیرا بر این باورند که انجیل می‌تواند زندگی مردم را عوض کند و چنین نیز خواهد کرد.

صلح و صفا برقرار می‌سازند

تشویق‌کنندگان درکلیسا معمولاً صلح و صفا برقرار می‌سازند زیرا انگیزه آنان این است که میان گروههای مختلف مسیحیان هماهنگی ایجاد کنند، چرا که می‌دانند که علت اختلاف‌ها در کلیسا معمولاً عدم بلوغ روحانی است. بر خلاف تصور اکثر مردم، مسیحیان نابالغ در کلیساها بیشتر اختلاف و شقاق به‌وجود آورده‌اند، تا بدعت‌گزاران. پولس اشتیاق خود را به اتحاد آشکار می‌سازد و می‌نویسد: "بیایید شادی مرا به کمال رسانید و با یکدیگر وحدت نظر و محبت متقابل داشته، یکدل و یکرأی باشید" (فیلیپیان ۲:۲). مشوقین آرزو دارند که ببینند کل کلیسا به بلوغ روحانی می‌رسند و خواست مسیح را تحقق می‌بخشند، این خواست را که ایمانداران در یگانگی روح و هدف زندگی کنند، چرا که به این شکل است که دنیا خواهد دانست که مسیح واقعاً کیست.

بخش هفتم

عطای دادن

"هر کس همان قدر بدهد که در دل قصد کرده است، نه با اکراه و اجبار، زیرا خدا بخشنده شادمان را دوست می‌دارد" (دوم قرنتیان ۹:۷، هزاره نو).

خدا به کلیسایش طیف گسترده‌ای از عطاها و خدمت‌های روحانی ارزانی داشته است تا بازتابی باشند از حیات و خدمت او بر زمین. در این مجموعه از مقالات، عطاهای روحانی انگیزش‌دهنده را طبق رومیان ۱۲ بررسی کرده‌ایم. نظریه‌ای که ارائه داده‌ام این بوده که عطاهایی که در این فصل یافت می‌شود، نقش انگیزش‌دهنده خاصی در زندگی ما دارد و اکثر ما انگیزه خدمت خود را در حول و حوش این عطاها می‌یابیم. اکنون به آیه ۸ می‌رسیم که می‌فرماید: "اگر کمک به نیازمندان است، با سخاوت چنین کند." این عطا غالباً عطای دادن نامیده می‌شود. شاید به‌هنگام خواندن جملات پیشین، وسوسه شده باشید که احساس راحتی کنید و بگویید که قطعاً از این عطا برخوردار نیستید، اما برای آنانی که این عطا را دارند شگرگزار هستید! اما ما همگی باید به یاد داشته باشیم که حتی اگر از عطای دادن برخوردار نباشیم، کلام خدا کماکان از ما می‌خواهد که ده‌یک بدهیم و سخاوتمندانه

به کلیسا و برای نیازمندان هدیه تقدیم کنیم. لذا پیش از پرداختن به خصوصیات این عطا، لازم است تعلیم کتاب‌مقدس را در خصوص دادن و گشاده‌دستی که به همه ما مربوط می‌شود، مرور کنیم.

دیدگاه کتاب‌مقدس در خصوص دادن

نحوه هدیه دادن ما برای کار مسیح آشکارکننده جایگاهی است که او در زندگی ما دارد. کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که پول می‌تواند به‌راحتی جای خدا را در زندگی ما اشغال کند. سلیمان خطرات پول را تذکر می‌دهد و می‌فرماید: ”جشن، شادی می‌آورد و شراب باعث خوشی می‌گردد، اما بدون پول نمی‌شود اینها را فراهم کرد“ (جامعه ۱۹:۱۰، ترجمه تفسیری). چه ساده است که پول را خدای خود بسازیم؛ خداوند عیسی قدرت پول را تأیید کرده، فرمود: ”هیچ غلامی دو ارباب را خدمت نتواند کرد، زیرا یا از یکی نفرت خواهد داشت و به دیگری مِهر خواهد ورزید، و یا سرسپرده یکی خواهد بود و دیگری را خوار خواهد شمرد. نمی‌توانید هم بنده خدا باشید، هم بنده پول“ (لوقا ۱۳:۱۶، هزاره نو). پولس با در نظر گرفتن این حقایق، خاطر نشان می‌سازد که آنچه سبب شد اهالی مقدونیه چنین سخاوتمندانه هدیه بدهند این بود که ایشان ”نخست خویشتن را به خداوند تقدیم داشتند، و سپس به ما نیز، بر طبق اراده خدا“ (دوم قرنتیان ۵:۸). نحوه عملکرد ما با اموالمان، شهادت می‌دهد بر اینکه خداوند ما کیست.

به‌علاوه، هدیه دادن شما به کلیسای مسیح، آشکارکننده وضعیت دل شما در برابر خدا است. برای دادن، انگیزه‌های نادرست بسیاری وجود دارد. بعضی‌ها هدیه می‌دهند تا گناهانشان آمرزیده شود و بر این تصورند که با هدیه دادن می‌توانند گناهانشان را نزد خدا جبران کنند. پاره‌ای دیگر هدیه می‌دهند با این تصور که خدا مانند بانکی است که هرچقدر بیشتر در آن پس‌انداز کنید، بیشتر عایدتان می‌شود. عده‌ای را می‌شناسم که هدیه می‌دهند تا در نظر مردم مقبولیت بیابند. کلام خدا ما را آگاه می‌سازد که انتظار خدا این است که با دلی شادمان و در پاسخ به رحمت‌های او هدیه بدهیم و تصدیق کنیم که هر چه داریم، متعلق به او است؛ ”زیرا خدا بخشنده شادمان را دوست می‌دارد“ (دوم قرنتیان ۷:۹). خدا می‌خواهد طوری بدهیم که بیانگر ایمان و اعتماد ما به او برای رفع نیازهایمان باشد: ”و خدای من، همه نیازهای شما را بر حسب دولت پرجلال خود در مسیحْ عیسی رفع خواهد کرد“ (فیلیپیان ۱۹:۴). بهترین راه برای انجام این امر، دادن ده‌یک درآمدمان به خداوند می‌باشد. در واقع، تنها جایی در کتاب‌مقدس که خدا ما را فرا می‌خواند تا او را بیازماییم، در زمینه دادن ده‌یک می‌باشد (ملاکی ۱۰:۳). همچنین باید طوری بدهیم که وسیله‌ای شویم برای تأمین نیازهای دیگران و پیشبرد کار مسیح در این دنیا. پولس می‌فرماید: ”تا غنای شما در حال حاضر، کمبود آنان را برطرف کند، و روزی نیز غنای آنها کمبود شما را برطرف خواهد کرد“ (دوم قرنتیان ۱۴:۸).

خصوصیات صاحب عطای دادن

امیدوارم موضع کتاب‌مقدس را در مورد وظیفه ما برای گشاده‌دستی در راه خداوند، روشن ساخته باشم. اکنون به خصوصیات کسی می‌پردازیم که از عطای بخشش و دادن برخوردار است. متی این عطا را داشت. پس ببینیم او چگونه آن را در زندگی خود به‌کار می‌بُرد. طبق انجیل متی، کسی که از عطای بخشش و دادن برخوردار است، دارای خصوصیات زیر می‌باشد:

۱- کسی که از عطای دادن برخوردار است، اغلب می‌تواند تشخیص دهد که چگونه با دانایی سرمایه‌گذاری کند تا پول بیشتری برای دادن به کار خداوند به‌دست آورد. متی بیش از سایر انجیل‌نگاران بر کاربرد عاقلانه از پول سخن گفته است. او می‌نویسد: ”بر زمین گنج مینـدوزید... بلکه گنج خود را در آسمان بیندوزید“ (متی ۶:۱۹-۲۰). او همچنین تأکید زیادی کرده است بر پاسخگویی ما به خدا برای منابعی که در اختیار ما قرار داده است (متی ۲۵:۱۴-۳۰). لذا یکی از نشانه‌های عطای دادن، قابلیت زیاد کردن سرمایه برای کار مسیح است.

۲- چنین شخصی اغلب دوست دارد در خفا هدیه بدهد و کسی متوجه این امر نشود. متی می‌فرماید: ”پس هنگامی‌که صدقه می‌دهی...، چنان کن که دست چپت از آنچه دست راستت می‌کند، آگاه نشود“ (متی ۶:۱-۴). اخیراً با مرد ثروتمندی ملاقات کردم که می‌خواست مبلغ هنگفتی به کلیسا بدهد. او به‌طور خصوصی از من

پرسید که چه مقدار بدهد. برای من روشن بود که او از عطای دادن برخوردار است و نمی‌خواهد توجه کسی را به خود یا به هدیه‌اش جلب کند.

۳- او اغلب قویاً احساس می‌کند که این خداوند است که از او می‌خواهد تا هدیه بدهد. انگیزه او از دادن، خشنود ساختن خداوند است، نه انسان. متی می‌فرماید که هر گاه صدقه می‌دهیم، باید آگاه باشیم که به خداوند می‌دهیم: ”زیرا گرسنه بودم، به من خوراک دادید“ (متی ۳۵:۲۵). چه زیبا است مشاهده این واقعیت که خدا شخص را بر می‌انگیزد تا به کسی کمک مالی کند و به این ترتیب، باعث برکت و تشویق او گردد. پیشنهاد من این است که تا حد امکان مستقیماً به نیازمندان کمک نکنید، بلکه آن را از طریق کلیسا به دست او برسانید. این سبب می‌شود که خدا جلال یابد، نه انسان؛ و نیز باعث می‌گردد که شخص نیازمند خود را مدیون یک فرد نداند، بلکه مدیون بدن مسیح.

۴- او می‌تواند وفاداری و دانایی سایر ایمانداران را در اداره پولشان ارزیابی کند. متی این ارزیابی را زمانی انجام می‌دهد که حماقت آنانی را که از پولشان به شکل بدی استفاده کرده‌اند، نشان می‌دهد (متی ۲۱:۳۳-۳۴). عیسی نیز تعلیم می‌دهد که اگر کسی نتواند پول خود را به‌درستی اداره کند، معمولاً نخواهد توانست حقایق روحانی را نیز به‌درستی اداره نماید. لذا روشن است که پیش از آنکه بتوانیم مسؤولیت‌های بیشتری از خدا انتظار داشته باشیم، باید در خصوص آنچه که به ما ارزانی داشته، وفادار باشیم.

۵- چنین اشخاصی اغلب شادند که زندگی ساده‌ای داشته باشند تا بتوانند بیشتر به کار خدا کمک مالی کنند. متی همه چیز را رها کرد تا عیسی را پیروی کند! لوقا در این مورد چنین می‌نویسد: ”لاوی (نام دیگر متی) بر خاسته، همه چیز را ترک گفت و از پی عیسی روان شد“ (لوقا ۵:۲۸). مردی را می‌شناختم که با اختراع وسیله‌ای که در زیردریایی‌ها کاربرد داشت، میلیونر شد، اما عده کمی از این موضوع خبر داشتند. او سوار خودرویی قدیمی می‌شد و در خانه‌ای معمولی زندگی می‌کرد و لباس‌هایی عادی می‌پوشید؛ شادی او این بود که به طرح‌های مربوط به آموزش مسیحی و امور بشارتی کمک مالی کند.

۶- او قابلیتی خدادادی دارد تا نیازهای مالی‌ای را تشخیص دهد که دیگران نادیده می‌گیرند. متی توجه شدیدی به نیازهای دیگران داشت، و به همین سبب، فریسیانی را که نسبت به کمک مالی افراد به والدینشان بی‌توجه بودند محکوم می‌نماید. اگر کسی را می‌شناسید که چنین عطایی دارد، او همان کسی خواهد بود که نسبت به پرداخت حقوق مکفی به شبان توجه نشان می‌دهد. او همان کسی خواهد بود که به یاد بدن مسیح خواهد آورد که به نیازهای بیوه‌زنان و یتیمان رسیدگی کند.

۷- او دوست دارد راههایی را بیابد تا دیگران را تشویق به دادن بکند. روشن نیست که آیا متی خودش چنین خصوصیتی داشت یا نه، اما آن را در کسانی که مشتاق دادن می‌باشند دیده‌ام. سالها پیش، دکتر ویلیام میلر با چند تن از مشایخ کلیسا جلسه‌ای داشت در مورد خرید

زمینی برای کلیسایی جدید. در این جلسه کسانی بودند که به‌خاطر کمبود پول، دچار تردید بودند. دکتر میلر دست به جیب کرد و هر چه پول داشت روی میز گذاشت و گفت: "حالا سرمایه‌ای برای این کلیسای جدید داریم." بسیاری دیگر از الگوی او پیروی کردند و آن زمین خریداری شد. آنانی که از این عطا برخوردارند، دیگران را به دادن انگیزش می‌دهند.

خدا را شکر برای کسانی که از طریق دادن، محبت مسیح را به نمایش می‌گذارند، زیرا وقتی هدیه می‌دهند، کسی را منعکس می‌سازند که ثروتمند بود، اما "فقیر شد تا شما در نتیجه فقر او دولتمند شوید" (دوم قرنتیان ۸:۹).

بخش هشتم

عطای رهبری

"اگر رهبری است، این کار را با جدیت انجام دهد" (رومیان ۸:۱۲، هزاره نو).

در بخشهای پیشین، به‌گونه‌ای منظم عطاهای انگیزش‌دهنده روحانی را بر اساس فصل دوازدهم رومیان بررسی کردیم. در این بخش به عطای رهبری می‌رسیم. ما وقت زیادی را صرف بحث در خصوص عطاهای انگیزش‌دهنده کردیم، زیرا برای شبان بسیار ضروری و حیاتی است که نه فقط عطای خود را کشف کند، بلکه عطاهای اطرافیان خود را نیز تشخیص دهد تا بتواند ایمانداران را کمک کند که خدمت خود را در بدن مسیح کشف کنند. درک عطای رهبری برای شبان اهمیت خاصی دارد، زیرا اگر خودِ او از این عطا برخوردار نباشد، کلیسا لطمات فراوانی خواهد دید، مگر اینکه او آنقدر فروتن باشد که افراد دیگری را بیابد که چنین عطایی داشته باشند و از ایشان استفاده کند. پس ببینیم عطای رهبری چیست.

عطای رهبری چیست

به عطای رهبری در دو جا اشاره شده است. در اول قرنتیان ۲۸:۱۲ چنین می‌خوانیم: ”خدا قرار داد در کلیسا... مدیریت...“ در اینجا، موضوع رهبری به شکل مدیریت کلیسا معرفی شده است، به‌خصوص مدیریت برنامه‌ها، نظیر رعایت روزهای مهم در تقویم کلیسایی، و حصول اطمینان از برقراری ارتباط درست میان رهبری کلیسا و اعضای آن. پیتر واگنر این عطا را اینچنین توصیف می‌کند: ”قابلیت خاصی که خدا بر برخی از افراد در کلیسا عطا می‌کند تا اهداف آنی و بلندمدت کلیسا را درک کنند و قادر باشند طرح‌هایی برای تحقق این اهداف تهیه کرده، به موقع اجرا بگذارند.“

اما مفهوم رهبری در رومیان ۱۲ با مفهوم فوق تفاوت دارد، به این معنی که رهبری نه فقط نقشی اداری، بلکه تأثیری معنوی و روحانی بر دیگران تلقی شده که خدا را جلال می‌دهد. تعریف پیتر واگنر از رهبری، این نکته را روشن می‌سازد. او می‌گوید که رهبر باید نه فقط دید و اهدافی روشن برای خدمت خود داشته باشد، بلکه باید قادر باشد این دید و هدف را به اعضای گله خود نیز منتقل سازد، طوری که ایشان با رغبت و با هماهنگی، در جهت تحقق آنها برای جلال خدا، کار کنند. رهبر کاردان در اعضای خود این اعتماد را ایجاد می‌کند که او در اراده خدا گام بر می‌دارد؛ او بر دیگران تأثیر روحانی خاصی می‌گذارد. اعضا از سوی چنین رهبری تحت اجبار یا فریب قرار نمی‌گیرند، بلکه به‌گونه‌ای اصیل از او الهام می‌پذیرند. این نوع رهبری

از طریق زندگی دائماً مقدس و تعلیم دقیق کلام خدا به‌دست می‌آید. در ضمن، رهبر خداترس به دیگران اعتماد می‌کند و به ایشان، مطابق سوابق و عطاهایشان، مسؤولیت می‌سپارد. چنانچه رهبری از عطای مدیریت برخوردار نباشد، باید همکاری معتمد بیابد تا او را در این خدمت خطیر یاری دهد.

هر رهبری باید به روش رهبری خود نگاهی صادقانه بیندازد تا در یابد از چه عطاهایی برخوردار است. طبعاً برای چنین آزمایشی محک‌های آشکاری وجود دارد. چنانچه میز کارتان همیشه پر از کاغذ و نامه است، یا همیشه به‌دنبال شماره تلفنی می‌گردید، یا اغلب اوقات زمان ملاقات‌های خود را فراموش می‌کنید، قطعاً دچار مشکلاتی در زمینه سازماندهی هستید. اگر کلیسایتان دائماً در اغتشاش است زیرا کسی نمی‌داند چه اتفاقاتی می‌افتد، و قسمت عمده خدمات را خودتان انجام می‌دهید، قطعاً دچار مشکل مدیریت هستید که باید حل و فصل شود.

نحمیا: نمونه‌ای برجسته

به باور من، نمونه خوبی از یک رهبر بزرگ در کتاب‌مقدس، نحمیای نبی است. با بررسی خدمت نحمیا، امیدوارم بتوانید تشخیص دهید که آیا عطای رهبری و مدیریت را دارید یا نه.

تحقیق و بررسی

نحمیا وقت صرف کرد تا از وضعیت یهودیان در اورشلیم اطلاع حاصل کند، و با این کار، دید روشنی از مشکل به دست آورد. نحمیا ۱:۳ می‌فرماید: ”آنانی که در آنجا در بلوک از اسیری باقی مانده‌اند، در مصیبت سخت و افتضاح می‌باشند.“ رهبر خوب آن است که دائماً در حال بررسی و مطالعه اوضاع و احوال باشد تا آنها را بهتر درک کند و بداند چه قدم‌هایی باید بر دارد. نحمیا به گزارش برادرش گوش کرد. رهبر خوب به نظرات دیگران توجه می‌کند.

دعا و اشتیاق برای جلال خدا

نحمیا پیش از اتخاذ هر گونه تصمیمی، به درگاه خدا دعا کرد. نحمیا ۱:۴ چنین می‌فرماید: ”چون این سخنان را شنیدم، نشستم و گریه کرده، ایامی چند ماتم داشتم و به حضور خدای آسمانها روزه گرفته، دعا نمودم.“ رهبر خوب برای کسب مشورت، نخست نزد خدا می‌رود، و سپس نزد مردم. خصوصیتی که در نحمیا برای من خوشایند است، دل پاک و صادق او است. او اجازه داد که خدا دل او را با چیزهایی بشکند که دل خدا را شکسته بود. انگیزه او برای رهبری، اشتیاق او برای جلال خدا بود.

برخورداری از هدفی مشخص

نحمیا برای قوم خود هدفی مشخص داشت. وقتی به حضور اردشیر رفت، اجازه خواست تا دیوارهای اورشلیم را بازسازی کند. او مشکل را ارزیابی کرده بود و اکنون هدفی داشت که می‌توانست آن را به‌شکلی مؤثر به دیگران بیان دارد. رهبر خوب می‌توان هدف خود را به‌شکلی مفید و مختصر به دیگران بیان کند تا ایشان نیز آن را درک کنند.

تقسیم کار

نحمیا رهبر کارآمدی بود، چرا که قادر بود کار عظیم بازسازی دیوار را به بخشهای کوچکتر و قابل اجرا تقسیم کند و آن را به افراد مختلف تفویض نماید (نحمیا ۳:۱-۳۲). رهبر خوب آن است که بتواند کارهای بزرگ را در ذهن خود مجسم کند و آنها را با استفاده از عطاها و استعدادهای افراد مختلف تحقق بخشد.

شیوه تأمین هزینه‌ها

نحمیا قادر بود حمایت مالی لازم را برای مأموریتش فراهم سازد. او این کار را از طریق ارائه طرحی معتبر به پادشاه انجام داد؛ پادشاه نیز به او سفارش‌نامه‌ای داد و دستور داد که چوب لازم برای کار بازسازی معبد را در اختیار او قرار دهند (نحمیا ۲:۶-۸). رهبر خوب آن است که بداند مردم زمانی حاضر به حمایت مالی هستند که هدفی به

ایشان ارائه شود که دلشان را لمس کند. رهبر برای تأمین هزینه‌های طرح خود، باید آن را با مردم در میان بگذارد و مردم را در آن سهیم سازد، نه اینکه سخنان فریبنده به‌کار ببرد یا در مردم احساس تقصیر ایجاد کند.

ایجاد انگیزش در اعضا

نحمیا رهبری برجسته بود زیرا توانست ملتی را انگیزش دهد تا دیوارهای اورشلیم را بازسازی کنند. او هرگز خودش را درگیر کار اجرایی نکرد، بلکه تمام نیروی خود را صرف حل مشکلاتی می‌کرد که می‌توانست مانع پیشرفت کار شود (نحمیا ۵:۱-۱۳). رهبر خوب آن است که مشکلاتی را که میان اعضا پیش می‌آید حل کند تا بتوانند به خدمت خود ادامه دهند.

حل مشکلات

نحمیا از جانب افراد داخل و خارج با مخالفت‌های بسیاری مواجه بود، اما هرگز اجازه نمی‌داد این امور مانع رسیدن او به هدفش گردد (نحمیا ۴:۸-۱۸). اغلب اوقات، هر بحرانی که بر کلیسا عارض می‌شود، سبب می‌گردد خدمت از مسیر خود منحرف شود. در این شرایط، رهبران درگیر منازعات شخصی و واکنشهای گناه‌آلود می‌گردند که اگر به روشی کتاب‌مقدسی تحت کنترل در نیایند، وحدت و شهادت کلیسا از میان خواهد رفت. در چنین شرایطی، رهبر باید

به‌گونه‌ای خاص قوی باقی بماند و کلیسا را در عبادت و مشارکت رهبری کند.

ایجاد اشتیاق و حفظ آن

نحمیا قوم را از طریق تشویق ایشان در ایمان، رهبری کرد. نحمیا ۱۴:۴ می‌فرماید: "از ایشان مترسید، بلکه خداوند عظیم و مهیب را به یاد آورید و به‌جهت برادران و پسران و دختران و زنان و خانه‌های خود جنگ نمایید." رهبر خوب آن است که بداند چه زمان و چگونه دل اعضای کلیسایش را بر خداوند متمرکز سازد. می‌داند چگونه کلام را تشریح کند و ایشان را تعلیم دهد تا ایشان اشتیاق خود را برای خدمت به خدای آسمانها باز یابند.

باشد که خدا رهبران بسیاری به کلیسایش ببخشد تا بتوانند همچون نحمیا رهبری کنند. آمین!

بخش نهم

عطای رحم و شفقت

"اگر رحم و شفقت به دیگران است، شادمانه به این کار مشغول باشد" (رومیان ۱۲:۸، هزاره نو).

در مطالعه عطاهای انگیزش‌دهنده روح‌القدس برکت بزرگی نهفته است، چرا که این عطاها ما را یاری می‌دهند تا دعوت خاص خود را در بدن مسیح بیابیم. ما تا اینجا، به‌طور سیستماتیک عطاهای روحانی را که در رومیان ۱۲:۶-۸ یافت می‌شوند، بررسی کردیم؛ بسیاری از صاحب‌نظران آنها را ماهیتاً عطاهای انگیزش‌دهنده می‌دانند. در این فهرست، به‌احتمال زیاد آنچه را که اشتیاق شما را در خدمت مسیحی بر می‌انگیزد، کشف خواهید کرد. درک این امر ضروری است، زیرا اگر کسی دارای عطای خاصی باشد، به این معنی نیست که در کاربرد سایر خدمات مسؤولیتی ندارد. عطای رحم و شفقت بهترین نمونه از این حقیقت می‌باشد. با اینکه ممکن است شخصی از عطای دیگری برخوردار باشد، اما همه ما فرا خوانده شده‌ایم تا عطای رحم و شفقت را در حق سایر ایمانداران به‌اجرا در آوریم. پولس رسول می‌فرماید: "پس تا فرصت داریم، به همه نیکی کنیم، به‌ویژه به اهل بیت ایمان" (غلاطیان ۶:۱۰). حال، ببینیم عطای رحم و شفقت چیست.

مفهوم عطای رحم و شفقت

نگاهی سریع به کلماتی که در کتاب‌مقدس برای رحم و شفقت به‌کار رفته، آشکار می‌سازد که نشان دادن رحمت به دیگران از سه بُعد بنیادین برخوردار است.

شراکت در رنجهای دیگران است

نخست، آنانی که این عطا را دارند، رحم و شفقتی قلبی نسبت به دیگران احساس می‌کنند. آنان به‌شکلی اصیل احساس می‌کنند که باید در رنجهای دیگران شریک شوند و با دردهای ایشان همدردی کنند. این احساس صرفاً برخاسته از عواطف انسانی نیست، بلکه انگیزشی است الهی در دل شخص نسبت به دیگران. کسانی که این عطا را دارند، بسوی کسانی کشیده می‌شوند که رنج می‌کشند.

محبتی است عملی

دوم، رحم و شفقت در کتاب‌مقدس صرفاً واکنشی احساسی به رنجهای دیگران نیست، بلکه واکنشی است که در محبت و توجه عملی دیده می‌شود. چنین رحمتی فقط نمی‌گوید: ''هر وقت نیاز داشتی، به من تلفن کن''، بلکه نیاز شخص را تشخیص می‌دهد و برای یافتن راه حل، قدمی عملی بر می‌دارد. یعقوب رسول آن دسته از ایماندارانی را ملامت می‌کند که برادری را بدون پوشاک می‌بینند، اما با بی‌توجهی

برای او آرزوی خیر و برکت می‌کنند (یعقوب ۲:۱۵-۱۶). رحم و شفقت واقعی به فراسوی کلمات دلگرم‌کننده می‌رود و وارد قلمرو اعمال نیک می‌شود.

همراه است با شادی

سوم، رحم و شفقت طبق فرموده پولس رسول، باید ''شادمانه'' صورت گیرد. اگر چنین نباشد، محبت ما چیزی جز انجام وظیفه نخواهد بود. شخصی که در بیمارستان بستری بود به دوستش گفت که وقتی شبانش به ملاقات او آمد، چنان خشک و بی‌روح بود که باعث شد حالش بدتر شود! بسیاری از اوقات، کمکهای ما به کسانی که در شرایط دشوار هستند، به‌منزله انجام وظیفه است و کارمان فاقد شادی و امید الهی است.

خصوصیات این عطا

سؤال بعدی این است که ''چگونه شخص می‌تواند بداند که از عطای رحم و شفقت برخوردار است؟'' طبیعتاً همه عطاهای روحانی را باید در چارچوب مشارکت کلیسایی کشف کرد و در همان چارچوب نیز به آن عمل نمود. در طول مطالعاتمان در این مجموعه، به بررسی شخصیت‌هایی از کتاب‌مقدس پرداختیم که صاحب عطاهای گوناگون بودند. من معتقدم که یوحنای رسول بهترین نمونه رحم و شفقت در

کتاب‌مقدس می‌باشد. چنانچه دارای این عطا باشید، بسیاری از خصوصیات او را در خود تشخیص خواهید داد.

محبتی اصیل دارد

کسانی که دارای عطای رحم و شفقت می‌باشند، قادرند در خود محبتی اصیل را احساس کنند و عمیقاً محبت کنند. این نکته را در رابطه شخصی یوحنا با خداوند عیسی مشاهده می‌کنیم؛ او همان شاگردی است که از همه به عیسی نزدیکتر بود. توجه عمده او در نوشته‌هایش متمرکز است بر محبت در چارچوب روابط. او بر محبت خدا نسبت به ما، و محبتی که ما باید به یکدیگر نشان دهیم، تأکید می‌گذارد. اشخاص رحیم و شفیق از محبتی عمیق برخوردارند و آرزو دارند به دیگران نزدیک باشند. اما همین عطا ممکن است آنان را در معرض زخمی شدن و طرد شدن از سوی دیگران قرار دهد. ایشان چون از نظر عاطفی درگیر مشکلات دیگران می‌شوند، اغلب احساس درماندگی روحی می‌کنند.

امکان دلشکستگی عمیق هست

آنانی که عطای رحم و شفقت دارند، وقتی شاهد گسسته شدن روابط می‌شوند، عمیقاً دلشکسته می‌گردند و ممکن است واکنشهای تندی نشان دهند. این خصلت را در یوحنا می‌بینیم؛ او وقتی مشاهده کرد که سامریها عیسی را رد کرده‌اند، به خشم آمد و خواست که از آسمان بر

آنان آتش ببارد (لوقا ۹:۵۴). افراد رحیم در معرض این وسوسه قرار دارند که زخمها را برای مدتی طولانی در دل خود نگاه دارند و بخشش را دشوار می‌یابند، زیرا درد گسسته شدن روابط را عمیق‌تر از دیگران حس می‌کنند.

به رنج دیگران حساس است

آنانی که عطای رحم و شفقت دارند، نسبت به دردهای عاطفی و فیزیکی دیگران بسیار حساس‌اند. یوحنا اغلب می‌گوید که می‌خواهد خوانندگانش شادی و امید و اطمینان داشته باشند (اول یوحنا ۱:۳-۴). گویی او آنتنی دارد که می‌تواند امواج درد و رنج دیگران را دریافت کند. اگر چنین دوستی داشته باشید، می‌دانید که چقدر دشوار است احساسات واقعی خود را از او پنهان سازید. این عطا می‌تواند بسیار توان‌فرسا باشد؛ افراد رحیم معمولاً خسته و درمانده می‌شوند، خصوصاً وقتی نیاموخته‌اند که چگونه درد و رنج دیگران را به خداوند بسپارند.

دردمندان را جذب می‌کند

آنانی که عطای رحم و شفقت دارند، افراد دردمند را به خود جذب می‌کنند. رنج‌دیدگان احساس می‌کنند که شخص رحیم ایشان را مورد داوری قرار نخواهد داد، بلکه با درد ایشان همدرد خواهد شد. مردم ایشان را افرادی قابل اعتماد می‌شمارند که می‌توانند درد خود را با ایشان در میان بگذارند. پس جای تعجب نیست که خداوند عیسی

به‌هنگام شام آخر به یوحنا اعتماد کرد (یوحنا ۱۳:۲۳-۲۶). وقتی دچار رنجی هستید، کمتر احتمال دارد بخواهید با شخصی که عطای نبوت دارد ملاقات کنید، زیرا می‌دانید که او ممکن است خطایتان را به شما گوشزد کند؛ بلکه بیشتر مایل خواهید بود با شخصی رحیم ملاقات کنید که به دردهایتان گوش بسپارد.

به درد توجه دارد تا به علت آن

کسی که رحم و شفقت نشان می‌دهد، بیشتر علاقه دارد دردهای آنی و فوری را برطرف سازد تا اینکه به درسهایی توجه کند که می‌توان از آن درد آموخت. چنین اشخاصی مانند کسانی هستند که به کمک مجروحان تصادف می‌شتابند تا جلوِ خونریزی را بگیرند و درد را تخفیف دهند، نه مانند پلیسی که هدف اولش تهیه گزارش از تصادف است. به همین دلیل است که اشخاص رحیم اغلب در معرض این اتهام قرار دارند که دردمندان را ''ناز می‌کنند'' و کاری به ''اصلاح خطای'' آنان ندارند. و باز به همین دلیل است که ایشان می‌کوشند از برخوردهای تند پرهیز کنند، چرا که بر این باورند که انتقاد نتیجه‌ای جز افزودن درد ندارد.

جذب انبیا می‌شود

آنانی که عطای رحم و شفقت دارند، اغلب جذب کسانی می‌شوند که عطای نبوت دارند. یوحنا به پطرس بسیار نزدیک بود (لوقا ۲۲:۸).

ایشان با هم به‌طرف قبر خالی دویدند و ظاهراً خیلی به هم متکی بودند. یکی از دلایل این امر می‌تواند این باشد که شخص رحیم در کنار انبیا زمینه مساعدی برای خدمت می‌یابد، زیرا انبیا اغلب با برخوردهای تند خود، باعث رنجش مردم می‌شوند! همچنین شاید ایشان احساس می‌کنند که باید به کسانی نزدیک باشند که حقیقت را با شهامت بیان می‌کنند، زیرا برای خودشان انجام چنین کاری دشوار است. من مشاهده کرده‌ام که کسانی که در کنار هم خدمت می‌کنند، یکی از آنها نبی است و دیگری رحم‌کننده. این باز تأییدکننده این حقیقت است که خدا می‌خواهد همگی ما عطاهای خود را در درون بدن مسیح به‌کار ببریم، نه به‌تنهایی.

امیدوارم این بحث مختصر در باره عطای رحم و شفقت شما را قادر ساخته باشد که عطاهای خود را بهتر تشخیص دهید و به کسانی که عطاهای دیگری دارند، ارج بنهید. من شخصاً خود را مدیون کسانی می‌دانم که عطای رحم و شفقت داشته‌اند.

سایر نشریات مؤسسه ''تعلیم''

- خلاصه اصول اعتقادات مسیحیت (نوشته لوئیس برکهوف)
- تشخیص اراده خدا (نوشته تت استیوآرت)
- در جستجوی اهمیت و بزرگی (نوشته تت استیوآرت)
- موعظه کتاب‌مقدسی (نوشته تت استیوآرت)
- ازدواج مسیحی (نوشته تت استیوآرت)
- کتاب‌مقدس و تربیت فرزند (نوشته تت استیوآرت)
- قدرت بخشش کتاب‌مقدسی (نوشته تت استیوآرت)
- آیین تعمید از چشم‌انداز کلیسای پرزبیتری (نوشته تت استیوآرت)
- پرستش خدا (نوشته تت استیوآرت)
- تشخیص دعوت الهی برای خدمت (نوشته تت استیوآرت)
- تجهیز مقدسان (بررسی عطاهای انگیزش‌دهنده روح‌القدس) (نوشته تت استیوآرت)

Tat Stewart

Equipping the Saints

A Study of Motivational Gifts
of the Holy Spirit

TALIM Ministries